

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشه است

إِلٰهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَىٰ عَلَىٰ سَيْفِ عَدَاوَتِهِ وَشَحَدًا لِي ظُبَّةٌ مِدْيَتِهِ

خدایا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را به روی من کشید

و لبه تیغش را بر من تیز کرد

وَأَرْهَفَ لِي شِبَاحَهُ وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ إِلَيَّ صَوَائِبَ سِهَامِهِ

و باریک نمود دم برنده اسلحه اش را و زهرهای کشنده اش را برای من درهم آمیخت و

تیرهای بی خطایش را به سوی من نشانه گرفت

وَلَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ

وَيَجْرَعَنِي دُعَافَ مَرَارَتِهِ نَظَّرْتَ إِلَيَّ ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِ

و چشم نگهبانش از من به خواب رفت و نهانی بر آن است تا مرا در معرض امور

ناخوشایند قرار دهد، و به من بچشاند زهر جگر سوزش را، خدایا به ناتوانی من نگریستی

که تاب حوادث بزرگ را ندارم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

پس تو را سپاس ای پروردگار از توانایی ات که شکست نپذیرد، و بردباری ات که شتاب نپذیرد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در برابر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ

خدایا چه بسیار متجاوززی که با نیرنگ هایش به من ستم کرد، و دام های شکارگیرش را در راهم نهاد، و توجه جستجوگرانه اش را بر من گماشت

و أَضْبَاءَ إِلَى إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَاراً لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ

وَهُوَ يَطْهَرُ بِبَشَاشَةِ الْمَلَقِ وَيَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ

و در کمین من نشست همچون کمین گذاردن درنده ای برای شکار خویش برای به دست آوردن فرصت مناسب درحالی که خوشرویی چابک و پلوسانه نشان داده و به سختی گشاده رویی می نمود

فَلَمَّا رَأَيْتَ دَعَلَ سَرِيرَتَهُ وَقُبِحَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مِلَّتِهِ وَأَصْبَحَ مُجْلِباً لِي فِي

بُعْغِيهِ أَرْكَسْتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ

پس چون حيله گری نهادش، و زشتی پندار نهفته اش را آن هم بر زبان هم کیشش مشاهده نمودی درحالی که سپیده می کرد به امید آنکه در ستمش بر من هجوم آورد پس تو او را سرنگون ساختی و ریشه اش را از بیخ و بن برکندی

وَعَجَزِي عَنِ الْأُنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ وَوَحَدْتِي فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَاوَانِي

و در درماندگی ام را از انتقام گرفتن از آن با ستیزه جویی اش قصد من کرده دیدی، و تنهایی ام را در برابر بسیاری از آنان که آزار مرا اراده نموده اند

وَأَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْإِرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ

و در کمین من نشستند مشاهده کردی و در آنچه که اندیشه ام را علیه آنان برای مقابله به مثل بکار نگرفتم، پس مرا به نیرویت تأیید کردی

وَشَدَّدْتَ أَرْزِي بِنُصْرَتِكَ وَفَلَلْتَ لِي حَدَّهُ وَخَدَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ

وَحَشَدِهِ وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ

و پشتم را با یاریت محکم نمودی، و تیغ او را به نفع من کند کردی، و او را پس از جمع آوری نفرات و تجهیزااتش خوار نمودی، و مقام و جایگاه مرا بر او برتری دادی

وَوَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ وَرَدَدْتَهُ عَلَيْهِ وَلَمْ يَشْفِ عَلَيْهِ

و آنچه را از نیرنگ هایش به جانب من هدف گرفته بود به سوی خودش بازگردانی و علیه او به کار بستی، ولی عطش کینه اش فرو ننشست

لَمْ تَبْرُدْ حَزَاوَاتِ غَيْظِهِ وَقَدْ عَضَّ عَلَى أَنْامِلِهِ وَأَذْبَرَ مُوَلِّيًّا قَدْ أَحَقَقْتُ سَرَايَهُ

، و سوزش دل برآمده از خشمش سرد نشد درحالی که از غیضش بر من انگشت به دندان گزید و پشت کرده پا به فرار نهاد و سپاه و نفراتش تارومار شد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأُذِيِّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ  
 بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت  
 از ذاکران قرار بده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسْرَتِهِ وَعَدُوٍّ شَجَى بِغَيْظِهِ وَسَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ  
 خدایا چه بسیار حسودی که از روی حسرت برافروخته گشت و دشمنی که بسبب  
 خشمش به سختی اندوهناک شد، و مرا با نیش زبانش آزرده ساخت

وَجَعَلَنِي غَرَضاً لِمِرَامِيهِ وَقَلَدَنِي خِلَالاً لَمْ تَزَلْ فِيهِ نَادِيَتُكَ  
 و مزگانش را چون نیزه ای به بدنم فرو برد، و مرا هدف تیرهای سرزنش نمود و کاستی های  
 را به گردنم انداخت که در خود اوست

يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ  
 پروردگارا پناه جویانه تو را خواندم، درحالی که اطمینان به سرعت اجابت تو داشتم

مُتَوَكِّلاً عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى  
 ظِلِّ كَنَفِكَ  
 توکل کنان به آنچه همواره از خوبی دفاعت می دانستم، با آگاهی به اینکه هرکه رخت به  
 سایه حمایتت کشد مورد آزار واقع نگردد

وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوَادِثُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ  
 و کسیکه به قلعه مددجویی تو پناه آورد هرگز حوادث روزگار او را درهم نکوبد

فَصَرَعْتَهُ فِي زُبَيْتِهِ وَرَدَّيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ وَجَعَلْتِ حَدَّهُ طَبَقاً لِتُرَابِ رِجْلِهِ

و او را در چاهی که برای من کنده بود و در ژرفای گودالش در انداختی، و گونه اش را همپای خاک پایش قرار دادی

وَسَعَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرَزَقَهُ وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ وَخَنَفْتَهُ بِوَتْرِهِ وَذَكَيْتَهُ بِمَشَاقِبِهِ

و او را به تن و روزی اش سرگرم کردی، و او را با سنگ خودش زدی، و با زه کمان خودش خفه اش نمودی

وَكَبَبْتَهُ لِمَنْخَرِهِ وَرَدَدْتِ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَرَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ

و با سر نیزه های خودش هلاک کردی و به رو به خاک مذلت انداختی، و حيله اش را به گردنش برگرداندی و به بند پشیمانی گرفتارش کردی

وَفَسَّأْتَهُ بِحَسْرَتِهِ فَاسْتَخْدَاءَ وَتَضَائِلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ وَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا مَأْسُورًا  
فِي رِبْقِ حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يَوْمَلُ أَنْ يِرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ

و به سبب حسرتش به باد فنایش دادی، ازاین رو پس از کبر و نخوتش خوار و کوچک گشت، و به دنبال گردن فرازی اش خوار و کوبیده شد، و در بند دامی که روز گردن کشی اش آرزو داشت مرا در میان آن ببیند اسیر شد

وَقَدْ كَدْتُ يَا رَبِّ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ  
مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلَبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و چه نزدیک بود پروردگارا اگر رحمت نبود بر من فرود آید، آنچه که دامن زندگی او را فرا گرفت، پس تو را سپاس پروردگارا که توانای شکست ناپذیری، و بردبار بدون شتابی

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأُيُوبَ مِنَ الدَّاكِرِينَ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به نعمت هایت از شاکران و در برابر عطا هایت از ذاکران قرار بده،

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَمِنْ كَسْرِ إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ

خدایا چه بسیار گمان نیکي که جامه عمل پوشاندی و شکست نداری را که جبران نمودی و بی چیزی توان فرسایي که از من گرداندی

وَمِنْ صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشْتِ وَمِنْ مَسْقَةٍ أَرَحْتَ لِأَنْتَ سَأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يَسْتَلُونَ

و سقوط هلاکت باری که بلندم کردی، و دشواری که آسان نمودی تو بازخواست نشوی از آنچه انجام می دهی و دیگران بازخواست شوند

وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ وَلَقَدْ سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ وَلَمْ تَسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيحَ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ أَبَيْتَ إِلَّا أَنْعَاماً وَأَمْتَاناً

و از آنچه خرج می کنی چیزی کاسته نشود، هر آینه از تو درخواست شد حالی عطا کردی و درخواست نشد پس آغاز در عطا و او پیشگاه فضلت درخواست احسان شد و تو منع

نمودی و ابا نمودی مگر از نعمت بخشی

فَحَصَّنْتِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ  
وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ کردی پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست  
ناپذیری و بردباری که هرگز شتاب نکنی

لَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر  
عطاهایت از ذاکران قرار بده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطْرَتْهَا وَجَدَاوِلِ كِرَامَةٍ أَجْرِيَّتْهَا

خدایا چه بسیار ابرهای ناملایمات که از فضای زندگی ام زدودی، و آسمان نعمتی که بر  
من باراندی و نهرهای کرامتی که به سوی من روان ساختی

وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ ظَمَسَتْهَا وَنَاشِيَةِ رَحْمَةٍ نَسَرَّتْهَا وَجَنَّةٍ عَافِيَةٍ أَلْبَسَتْهَا وَغَوَامِرِ كُرْبَاتٍ  
كَشَفَتْهَا وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا

و چشمه های حوادثی که محو نمودی و نهال رحمتی که گستردی و زره عافیتی که بر من  
پوشاندی، و گرداب های گرفتاری که برطرف کردی، و امور جاری ه ای که مقدر فرمودی

لَمْ تُعْجِرْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا

آنگاه که این امور را خواستی در مانده ات نکردند و هر زمان که آنها را اراده فرمودی از  
فرمانبرداری خودداری ننمودند،

وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ  
وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و به حق پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، پس تو را سپاس ای پروردگار که  
توانای شکست ناپذیری، و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ  
درود فرست بر محمد و خاندان محمد و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر  
عطا هایت از ذاکران قرار بده.

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ الصِّدْرِ وَالنَّظْرِ إِلَى مَا  
تَفْشَعِرُ مِنْهُ الْجُلُودُ وَتَفْرَعُ لَهُ الْقُلُوبُ

خدایا چه بسیار بنده ای که شامگاهان و صبحگاهان نمود در سختی مرگ و به شدت و تنگی  
نفس زنان، و با نگاه به آنچه که بدنها از دیدنش می لرزد، و دل ها از آن بی تاب می شود

وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و من از همه اینها در عافیت و سلامتی هستم، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای  
شکست ناپذیری، و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر  
عطا هایت از ذاکران قرار بده.



وَاللَّا تَطْوُلَا يَا رَبِّ وَإِحْسَانًا وَأَبَيْتُ إِلَّا أَنْتَهَاكَ لِحُرْمَاتِكَ وَأَجْتِرَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ

و اصرار بر رساندن عطا و فزون بخشی و احسان ای پروردگار و من خودداری نمودم مگر از شکستن احترام محرّمات، و جسارت بر گناهانت

وَتَعَدِّيًّا لِحُدُودِكَ وَغَفْلَةً عَن وَعِيدِكَ وَطَاعَةً لِعُدْوَى وَعَدْوِكَ لَمْ يَمْنَعَكَ

و تجاوز از قوانینت، و غفلت از تهدیدت، و فرمانبری از دشمنم و دشمنت

يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَن إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ وَلَا حَجْرَنِي ذَلِكَ عَن إِزْتِكَابِ مَسَاطِطِكَ.

ای معبودم و یاورم کوتاهی ام در سپاسگزاری ات تو را از تمام کردن احسانت بر من باز نداشت، و این چشم پوشی و بزرگواری مرا از انجام کارهای مورد خشمت مانع نشد.

اللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحِيدِ وَأَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ وَشَهِدَ لَكَ بِسُبُوحِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ وَجَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ وَإِحْسَانِكَ إِلَيْهِ

خدایا این است جایگاه بنده خواری که برای تو به یگانگی اقرار کرد، و برای خویش به کوتاهی در ادای حق تو، و گواهی داد برای تو به کمال نعمت بر او و شیوه زیبا و دلنشینت نزد او احسانت بر او

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَسَيْدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَتَّخِذُهُ سَلْمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَآمِنُ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ بِعَزَّتِكَ وَطَوْلِكَ

پس به من ببخش ای خدای من و سرور من از فضلت آنچه را که در راه رسیدن به رحمت می خواهم تا نردبانش قرار دهم که از آن به سوی خشنودیت، بالا روم، و با آن از خشمت امان یابم، به حق عزّت و عطا همیشه ات

وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطَمَآنِينَةٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلَبُ  
وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و من از همه اینها در امنیت و آرامش و سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار  
توانمند شکست ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَكْرَهُونَ.  
بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر  
عطاهایت از ذاکران قرار بده

إِلَهِي وَسِيدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ مَغْلُولًا مُكْبَلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ  
لَا يَرْحَمُونَهُ

خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد درامد بسته به زنجیر،  
پیچیده در آهن، آن هم به دست دشمنانش که به او رحم نوزند

فَقِيداً مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ مُنْقَطِعاً عَنْ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بِأَيِّ قِتْلَةٍ يَقْتُلُ  
وَبِأَيِّ مُثَلَّةٍ يَمْتَلُ

دور مانده از زن و فرزند، بریده از برادران و شهر خویش، هر لحظه انتظار دارد که چگونه  
کشته خواهد شد، و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت

بِهِ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و من از همه اینها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر  
و بردباری که شتاب نورزی

إِلَهِي وَكُم مِّنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مَّوْجِعًا فِي أَنْتِهِ وَعَوِيلٍ يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ  
مَحِيصًا وَلَا يَسِيغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا

خدای من چه بسا بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد بیمار و دردمند، در ناله و فریاد، در اندوهش به خود می پیچد و راه گریزی نمی یافت و خوردنی و نوشیدنی گوارایی نمیخورد

وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِّنَ الْبَدَنِ وَسَلَامَةٍ مِّنَ الْعَيْشِ كُلِّ ذَلِكَ مِنْكَ فَالْحَمْدُ يَا رَبِّ مِّنْ  
مُّفْتَدِرٍ لَا يَغْلَبُ وَذَى أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و من در تندرستی و سلامت زندگی هستم، همه اینها از توست، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ.  
بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.

إِلَهِي وَكُم مِّنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَّرْعُوبًا مُّشْفِقًا وَجَلًّا هَارِبًا طَرِيدًا مُّنْجِرًا.  
خدایا چه بسیار بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان درآمد ترسان و هراسان، پریشان و اندیشناک

فِي مَضْبِقٍ وَمَخْبَاةٍ مِنَ الْمَخَابِي قَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا  
مَنْجَى وَلَا مَأْوَى

فراری و رانده شده، خرابه نشین در تنگنا و مخفیگاهی از مخفیگاهها که زمین با فراخیش بر او تنگ شد چاره و راه نجات و پناهگاهی نمییابد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِلْآئِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ

تورا پس سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ

خدای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآید، در تاریکی های دریاها و تندبادهای و در دل هراس ها و امواج در حالی انتظار غرق شدن و هلاکت را می کشد

لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ أَوْ مُبْتَلَى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدِيمٍ أَوْ حَزَقٍ  
أَوْ شَرَقٍ أَوْ حَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ

و توان چاره اندیشی ندارد، یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش سوزییا گوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین یا مسخ شدن یا اتهام به امر نامشروع است

وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَالْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يَجْعَلُ

و من از همه اینها در سلامت کاملم، پس تورا سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِلْآئِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار ده.

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ  
بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از شاكران، و در برابر عطاهايت از ذاكران قرار بده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ يِقَاسِي الْحَزْبَ وَمُبَاسَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قَدْ عَشِيْتُهُ  
الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِالسُّيُوفِ وَالرَّمَاكِ

خدای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه صبحگاه درآمد، درحالی که سختی جنگ و  
پیکار را با جانش تحمل می کند، و دشمنان از هر جانب او را با شمشیرها و نیزه ها و ابزار  
جنگ در محاصره آورده اند

وَأَلَّةِ الْحَرْبِ يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا قَدْ  
أَذِنَفَ بِالْجِرَاحَاتِ أَوْ مُتَشَحَّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ

در میان آهن تلاش می کند، نهایت کوشش را بکار گرفته، راه چاره ای نمی یابد، و گریزگاهی  
نمی یابند، از سختی جراحات بیمار شده، یا در خون خویش زیر سمها و لگدها غلطان گشته

وَالْأَرْجُلِ يَتَمَتَّى شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ  
ذَلِكَ كُلِّهِ

جرعه آبی را آرزو می کند، یا یک نگاه به اهل و فرزندش را تمنا می نماید، اما توانی بر آن را  
ندارد، و من از همه اینها در سلامت کاملم

فَلَيْكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلَبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

تورا پس سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكُم مِّنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيراً عَائِلاً عَارِياً مُّمْلِئاً مُّخْفِقاً مَّهْجُوراً  
جَائِعاً ظَمْئَاناً يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ

خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که  
تهیدست، بی چیز، عریان، نیازمند، پریشان، دچار هجران، گرسنه، تشنه است و انتظار  
میبرد که چه کسی به او احسان می کند

أَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ عِنْدَكَ هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ وَأَشَدُّ عِبَادَةً لَّكَ

یا چه بسا بنده آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر و عبادتش برای تو بیشتر است

مَغْلُولاً مَقْهُوراً قَدْ حُمِلَ ثِقْلاً مِّنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ

و در عین حال دچار غل و زنجیر و اسیر دست ستمگر است، بار سنگینی از خستگی و رنج  
و سختی بیگاری و دشواری بردگی

وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقْلِ الصَّرِيْبَةِ أَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ لَا قِبَلَ لَهُ إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ

و پرداخت وجه سنگین به اربابش بر او تحمیل شده است، یا شخصی که به بلای سختی  
گرفتار آمده و توان ایستادگی در برابر آن را جز به فضل تو ندارد

وَأَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمَعْفَى الْمَكْرَمُ فِي عَافِيَةٍ مِّمَّا هُوَ فِيهِ

اما من مورد احترام دیگران، و در نعمت و تندرستی ام، و گرامی ام داشته اند، از آنچه آن  
درمانده به آن گرفتار است در سلامت کاملم

إلهی وکم من عبیدِ اُمسی وَأَصْبَحَ مُسَافِراً شَاخِصاً عَنْ أَهْلِهِ  
وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّراً فِي الْمَفَاوِزِ

خدای من چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد در حال مسافرت و دوری از همسر و فرزندان، سرگردان در بیشه های خشک

تَائِهَاتٍ مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ وَحِيداً قَرِيداً  
لَا يَعْرِفُ حَيْلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلاً أَوْ مُتَأَذِيًا يَبْرُدُ

سرگشته در میان حیوانات وحشی و چهارپایان و حشرات آن هم بی یاور و تنها، چاره ای نمی یابد، و به راهی رهنمون نمی گردد، یا در آزار است از سرمای سرد یا گرمای سوزان

أَوْ حَرّاً أَوْ جُوعاً أَوْ عُرَى أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوفٌ فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ  
پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

یا دچار گرسنگی یا برهنگی یا غیر اینها از سختی ها و گرفتاری هایی که من از آنها در امانم و در سلامتی کامل از همه اینها بسمی برم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الَّذِينَ أَكْرَبِينَ.  
بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ

پس معبودی جز تو نیست، که توانای شکست ناپذیر بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ  
وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از عبادت کنندگان قرار بده، و بر نعمت  
هایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده، و به من مهر ورز به حق رحمت  
ای مهربان ترين مهربانان.

مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ وَقَدْ دَنَا يَوْمَهُ مِنْ حَتْفِهِ

مولایم و سرورم، و چه بسا بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالیکه به مرگ  
نزدیک شده

وَأَحْدَقَ بِهِ مَلِكِ الْمَوْتِ فِي أَغْوَانِهِ يِعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا  
وَشِمَالًا

و فرشته مرگ در میان یارانش او را محاصره کرده است، در جستجوی درمانی برای سختی  
های جان دادن و گردابهای آن است، چشمانش به راست و چپ می چرخد

يُنْظَرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَأَوْدَائِهِ وَأَخْلَائِهِ قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ وَحُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ يُنْظَرُ إِلَى  
نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا صَرًّا وَلَا نَفْعًا

به محبوبان و دوستان و یاران صمیمی اش می نگرد، از گفتار بازداشته، و از خطاب  
محروم گشته و از روی حسرت بر خود می نگرد، بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد



فَلَكِ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

پس تو را سپاس بر تمام این الطافی که به من بخشیدی ای توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از شاکران، و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده.

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيلاً مَرِيضاً سَقِيماً مُدْنِفاً عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِيناً وَشِمَالاً

خدای من و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که علیل، دردمند، بیمار است و در بستر بیماری و لباس ناخوشی افتاده، و از درد به راست و چپ می غلطد

لَا يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهُ أَصْرًا وَلَا نَفْعًا

و چیزی از لذت خوراک و آشامیدنی را درک نمی کند، با حسرت به خود می نگرد ولی بر دفع زیان و جلب نفعی توان ندارد

وَأَنَا خَلُّوْ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

و من در سایه جود و کرمت از همه اینها در آرامش هستم

وَأَنَا خَلُّوْ مِنْ ذَلِكْ كَلَّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا  
يَغْلِبُ وَذَى أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

و من به جود و کرمت از همه اینها در امان هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو  
که توانای شکست ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ  
وَلِإِلَّاٰتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان خویش، و بر نعمت  
هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده و به حق مهترت بر من مهر آر  
ای مهربان ترین مهربانان

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ  
وَفَارَقَ أَوْدَ أَنَّهُ وَأَحْبَأَّهُ وَأَخْلَأَهُ

آقای من و مولای من، چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالیکه  
سرنوشتش با سختی گره خورده، و گرفتاری او را محاصره کرده، و از دوستان و محبوبان  
و یاران صمیمی جدا افتاده اس

وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا دَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ يَتَدَاوُلُونَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا

شام کرد در حال اسارت، حقارت، خواری در دست کافران و دشمنان، او را دست به  
دست به راست و چپ می گردانند

قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ وَثُقِّلَ بِالْحَدِيدِ لَا يَرِي شَيْئًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا

در سیاه چال ها زندانی شده و با غل و زنجیر سنگین گشته، از روشنی دنیا

وَأَنَا خَلُّوْ مِنْ ذَلِكْ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ  
وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ

و من از همه اینها به جود و کرمت در آرامش هستم پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو  
که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِتِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ  
وَإِزْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمت هایت از شاکران و در برابر  
عطاهایت از ذاکران قرار بده، و به حق مهتر بر من مهر ورز ای مهربان ترین مهربانان.

مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكُمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ

خدای من و آقای من، چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالیکه در  
تنگناهای زندان ها و محبس ها و با ناراحتی و خواری و در غل و زنجیر به سر می برد<sup>د</sup>

وَكَرْبِهَا وَذُلِّهَا وَحَدِيدِهَا يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا وَرَبَائِنِئُهَا فَلَا يَدْرِي أَيَّ حَالٍ يَفْعَلُ بِهِ

و زندانبان ها و دژخیمان او را دست به دست می گردانند. پس نمی داند با او چگونه رفتار  
خواهد شد

وَأَيُّ مَثَلَةٍ يَمَثَلُ بِهِ فَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَضَنْكَ مِنَ الْحَيَاةِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً  
لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت پس او در زندگانی در بدحالی سخت است، و در نهایت  
تنگی و سختی است، با حسرت به خود می نگرد، بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ  
از تو درخواست می کنم به نامت که چون بر آسمان نهادی پابرجا شد و چون بر زمین  
گذاردی آرام گرفت

وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ  
و چون بر کوهها گذاشتی استوار گشت و چون بر شب نهادی تاریک شد و چون بر روز  
قرار دادی روشنی گرفت

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا  
[خدای من] از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همه نیازهای  
مرا برآورده سازی

وَتَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
و همه گناهان کوچک و بزرگم را ببامرزی، و روزی ام را گسترده سازی، روزی ای که مرا با  
آن به شرف دنیا و آخرت برسانی، ای مهربان ترین مهربانان

مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنَتْ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
آقای من از تو یاری خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَأَعِنِّي وَبِكَ اسْتَجِرْتُ فَاجِرْنِي وَأَعِنِّي بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ  
و مرا یاری ده و به تو پناه جستم پس پناهم ده و مرا با طاعت خود از طاعت بندگانت  
بی نیاز کن

وَلَا مِنْ رَوْحِهَا يُنظَرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلُوفٌ مِنْ ذَلِكَ  
كَلِمَةٌ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

و نسیمش چیزی نمی بیند، با حسرت به خود می نگرد، بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد، و من از همه اینها به جود و کرمت در آرامش هستم

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يُعْجَلُ

پس معبودی جز تو نیست، پکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،  
وَلِالْأَنَّكَ مِنَ الَّذِينَ وَرَحْمَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مار از عبادت کنندگان خویش، و بر نعمت هایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، به حق مهتر بر من مهر آر، ای مهربان ترین مهربانان

وَعِزَّتِكَ يَا كَرِيمٌ لِاطْلَبَنَّ مِمَّا لَدَيْكَ وَلَا لِحَنَّ عَلَيْكَ وَلَأَمُدَّنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُزْمِهَا إِلَيْكَ

و به حق عزتت ای کریم هر آینه از تو درخواست می کنم آنچه از عطایا را که نزد تو است و دراین باره بر تو اصرار می ورزم، و دستم را با جرمی که نسبت به تو دارد، به جانب آستانت دراز میکنم

يَا رَبِّ فَبِمَنْ أَعُوذُ وَبِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ أَفْتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مُعَوَّلِي وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي

پس به که پناه ببرم؟ و به که روکنم؟ کسی را جز تو ندارم، آیا مرا از درگاهت میرانی درحالی که تنها تو تکیه گاه منی و توکنم تنها بر تو است

سَجَدَ وَجْهِي وَسَمِعِي وَبَصَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَجِلْدِي وَعَظْمِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سجده کرد رویم و گوشم و چشم و گوشتم و خونم و پوستم و استخوانم، و همه آنچه  
زمی از بار وجود من برداشته در برابر پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيَّ جَهْلِي بِحِلْمِكَ وَعَلَيَّ فَقْرِي بِغِنَاكَ وَعَلَيَّ ذُلِّي بِعِزِّكَ وَسُلْطَانِكَ وَعَلَيَّ  
ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ وَعَلَيَّ خَوْفِي بِأَمْنِكَ وَعَلَيَّ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ  
بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

خدایا بر نادانی من به بردباری ات، و بر تهیدستی من به توانگری ات، و بر خواری من به  
عزّت و سلطنتت، بر ناتوانی من به توانایی ات، و بر ترس من به ایمنی ات، و بر گناهان  
و خطاهای من به گذشتت و رحمتت بنگر ای بخشنده مهربان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَرِّهِ فَكَفِّنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ  
أَنْبِيَائَكَ وَأَوْلِيَاءَكَ مِنْ خَلْقِكَ

خدایا! من به مدد تو سینه سخت دشمنم فلان پسر فلان را دفع می کنم و از شرّ او به تو  
پناه می آورم، پس مرا از گزند او کفایت کن بدانسان که کفایت کردی پیامبران و اولیا

وَصَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ قَرَابَتِهِ خَلْقِكَ وَطُعَاةِ عُدَايِكَ وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

و بندگان، شایسته ات را از گزند فرعون ها، و دشمنان سرکشت، و از شرّ همه خلقت به  
مهرت ای مهربان ترین مهربانان، همانا تو بر هر چیز توانایی، و خدا ما را بس است و چه  
نیکو و کیلی است.

وَبِمَسْئَلَتِكَ عَن مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ وَأَنْقُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى  
وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ

و به خواهش خویش از خواهش خلق مستغنی ام گردان و از خواری تنگدستی به عزّت  
توانگری، و از ذلت گناه به عزّت طاعت دگرگون ساز

فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي

همانا تو مرا بر بسیاری از مردمان برتری دادی  
نه از روی شایستگی من، بلکه از روی جود و کرمّت

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ

خدای من تو را سپاس بر همه این عطاها  
بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا قرار بده بر نعمت هایت از شاکران و در برابر  
عطاها هایت از ذاکران.

سپس به سجده برو و بگو

سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لَوْجْهِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لَوْجْهِكَ  
الدَّائِمِ الْبَاقِي سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوْجْهِكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ

سجده کرد روی خوارم برای ذات عزیز بزرگت، سجده کرد روی فرسوده فانی ام و برای ذات  
همیشگی ماندگارت، سجده کرد روی پیوسته به تهیدستی ام برای ذات بی نیاز بزرگت

